فصلنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۴، شمـارهٔ ۱۱، زمستان ۱۳۹۵

آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی[۱]

زهرا حامدی شیروان[۱] شهلا شریفی*[۲] محمود الیاسی[۳]

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۰)

چکیده

در این پژوهش آرایش واژگان در چهار گویش فارسی خوزستان، یعنی بهبهانی، دزفولی، شوشتری و هندیجانی از نظر رده‌شناختی بررسی شده است. چارچوب نظری اصلی این پژوهش رده‌شناسی آرایش واژگان درایر است. دبیرمقدم در پژوهش خود ۲۴ مؤلفه را در نظر گرفته است که ۱۹ مورد آن‌ها برگرفته از مقالهٔ درایر و بقیه مؤلفه‌ها برگرفته از پایگاه داده‌های وی هستند که آمار مربوط به آن در اختیارش قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز همین ۲۴ مؤلفه دربارهٔ گویش‌های خوزستان بررسی و نتایج حاصل با منطقهٔ اروپا ـ آسیا و همچنین جهان مقایسه شده‌اند. ابزار و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه و گفت‌وگو و مصاحبهٔ حضوری با گویش‌وران است. با تعداد ۳۰ گویش‌ور بومی این گویش‌ها مصاحبه شده و بعد از ثبت و ضبط مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها، مطالب به دقت آوانویسی و سپس براساس مؤلفه‌های مورد نظر تحلیل شدند. در بررسی

---

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسئول).

* shahlasharifi@hotmail.com

۳. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

داده‌ها، رفتار رده‌شناختی هر کدام از این گویش‌ها در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا و همچنین زبان‌های دنیا ازجهت دارابودن مؤلفه‌های فعل‌پایانی و یا فعل‌میانی بررسی و تحلیل شد. به طور کلی این چهار گویش هم در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های دنیا، به ردهٔ فعل‌میانی قوی گرایش دارند ؛ البته باید گفت که براساس آمار جدول‌ها رفتار رده‌شناختی این گویش‌ها با ردهٔ بینابین (آمیخته)- که دبیرمقدم (۱۳۹۲) برای زبان‌های ایرانی پیشنهاد کرده است- هماهنگ است. دربارهٔ مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک باید گفت که در این چهار گویش فقط مؤلفهٔ۱، ۹ و ۱۱ غیرمشترک هستند و این گویش‌ها در ۲۱ مؤلفهٔ دیگر رفتار مشترک دارند.

واژه‌های کلیدی: رده‌شناسی زبان، آرایش واژگان، گویش‌های فارسی خوزستان، فعل-پایانی، فعل‌میانی.

۱. مقدمه

هر قوم و ملتی زبان مختص خود را دارد و در درون هر زبان واحد تنوعات گویشی و لهجه‌ای فراوان دیده می‌شود. هر زبان، گویش یا لهجه پیام و معنا را به شیوهٔ خاص خود منتقل می‌کند؛ از این‌رو هرکس با لهجهٔ مادری خود بهتر و آسان‌تر می‌تواند به ایجاد ارتباط و انتقال پیام مؤثر بپردازد و درحقیقت زبان هر قومی به‌مثابهٔ هویت و کارت شناسایی ملی و قومی اوست (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

وجود زبان‌ها و گویش‌های محلی گوناگون در ایران، از سرمایه‌های ارزشمند فکری، فرهنگی و تاریخی آن است و وظیفهٔ ثبت و ضبط و حفظ آن‌ها بر عهدهٔ پژوهشگران و نهادهای علمی است. گسترش زبان فارسی، به‌خصوص در محدودهٔ سیاسی ایران، به‌سبب آموزش آن در مدارس، انتشار کتاب، روزنامه و جز آن، و فراگیرشدن برنامه‌های رادیو و تلویزیون، در رنگ‌باختگی و فراموش‌شدن گویش‌های محلی به شدت تأثیر گذاشته است. کم‌شدن جمعیت روستاها به‌دلیل مهاجرت مردم به شهرها برای اشتغال و البته ترغیب‌نکردن خانواده‌ها به آموختن زبان مادری به کودکان، از عواملی است که روند نابودی گویش‌های محلی را سریع‌تر کرده است (حسن‌دوست، ۱۳۸۹: ۹). بنابراین مستندسازی و جمع‌آوری داده‌های گویش‌های محلی هم‌اکنون اهمیتی بیش از گذشته دارد و این امر نیازمند همکاری زبان‌شناسان، گویش‌وران و سازمان‌های

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

مرتبط است. همان‌گونه که آقاگل‌زاده (۱۳۸۹: ۱) بیان می‌کند «تحقیق دربارهٔ زبان‌ها، گویش‌ها، لهجه‌ها و تنوعات گونه‌ای آن‌ها ارزش شناختی، هویتی، آموزشی و تصمیم‌سازی اجتماعی اعم از فردی، قومی، ملی و بین‌المللی دارد».

در این پژوهش به بررسی رده‌شناختی گویش‌های فارسی خوزستان پرداخته می‌شود. چهار گویش بهبهانی، دزفولی، شوشتری و هندیجانی در این نوشتار تحلیل می‌شوند. پژوهش‌های متعددی دربارهٔ این گویش‌ها از نظر زبان‌شناختی انجام شده است که بیشتر آن‌ها در قالب گویش‌شناسی سنتی و قدیمی هستند و پیش‌تر از این نیز گویش‌ها از این منظر، بررسی و تحلیل نشده‌اند. سؤال‌های اصلی پژوهش بدین شرح‌اند:

۱. این گویش‌ها از نظر ۲۴ مؤلفهٔ آرایش واژگانی درایر چه رفتاری دارند؟
۲. با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده آیا این گویش‌ها در ردهٔ فعل پایانی یا فعل میانی قرار می‌گیرند؟
۳. مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک در گویش‌های فارسی خوزستان کدام‌اند؟
۴. این گویش‌ها در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا به ردهٔ فعل‌پایانی یا فعل‌میانی گرایش دارند؟

کورمن (۲۰۱۳) معتقد است کاربرد روش‌های رده‌شناختی در گویش‌شناسی سبب شده تا زمینهٔ رده‌شناختی به تنوعات درون‌زبانی، معرفی داده‌ها، روش‌ها و تفسیرهای رده‌شناختی به حوزهٔ گویش‌شناسی اضافه شود و به پدیده‌هایی که قبلاً بی‌توجهی شده یا رابطهٔ آن‌ها با همدیگر مشخص نشده است، توجه شود.

چنین پژوهش‌هایی به طبقه‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و شناخت روابط موجود میان آن‌ها و آگاهی از ساخت‌های متفاوت زبانی و درنتیجه شناخت بهتر همگانی‌های زبان و امکان ارزیابی نظریه‌های زبانی کمک خواهد کرد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

آغازگر مطالعهٔ آرایش واژگان در رده‌شناسی گرین‌برگ (۱۹۶۶) بود که با ارائهٔ یافته‌های تجربی خود دربارهٔ مجموعهٔ بزرگی از زبان‌ها، رده‌شناسی آرایش واژگان را دغدغهٔ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

اصلی پژوهش‌های زبانی مطرح کرد. وی نتایج مشاهدات خود را به صورت ۴۵ همگانی بیان داشت. پس از او لمان (۱۹۷۳) کاشف ایدهٔ فعل عامل سازمان‌دهندهٔ الگوی آرایش واژگان شناخته شده است. وی برای نخستین‌بار بین زبان‌های فعل‌پایانی (OV) و زبان‌های فعل‌آغازی (VO)، تمایز ایجاد کرد. همچنین ونمان (۱۹۷۴) در رده‌بندی فعل‌پایانی/ فعل‌آغازی از لمان پیروی می‌کند و معتقد است همهٔ قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. وی براساس عبارات تلویحی گرین‌برگ، اصل زنجیره‌سازی طبیعی[۲] را مطرح می‌کند (بیشتر به عنوان نظریهٔ هسته- وابسته[۳] معروف است). هاکینز (۱۹۸۳) در رویکرد آرایش واژگان خود می‌کوشد بین اصول چندگانهٔ گرین‌برگ (دارای اعتبار تجربی) و اصول سادهٔ لمان و ونمان (فاقد اعتبار تجربی)، تعادل ایجاد کند. او خلاف لمان و ونمان از داده‌های گرین‌برگ استفاده نکرد و با یک نمونهٔ ۳۳۶ تایی از زبان‌ها کار کرد. همچنین هاکینز اصل هماهنگی بینامقوله‌ای[۴] را مطرح می‌کند تا بتواند بسامد زبان‌ها را دقیق‌تر بررسی کند. کامری (۱۹۸۹) بیان می‌کند که دغدغهٔ اصلی پژوهش در حوزهٔ آرایش واژگان نیست، بلکه آرایش سازه‌هاست و اصطلاح درست‌تر رده‌شناسی «آرایش سازه‌ها» است که ممکن است این سازه‌ها شامل یک یا چند واژه شوند. درنهایت، درایر در مقالهٔ خود بر اساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵[۵] زبان، بسیاری از ادعاها دربارهٔ همبستگی‌های آرایش واژگان را تأیید می‌کند؛ اما درعین‌حال، بسیاری از فرضیات پذیرفته‌شده را رد می‌کند.

در زمینهٔ آرایش واژگان در زبان‌ها و گویش‌های دنیا، در چند دههٔ اخیر پژوهش‌های متعددی انجام شده است، ازجمله پژوهش بِرادشو (۱۹۸۲) دربارهٔ ویژگی‌های آرایش واژگانی رده‌شناختی زبان‌های استرالیایی ـ اندونزیایی گینهٔ نو، پژوهش مشترک گات و دیگران (۱۹۹۴) دربارهٔ انعطاف‌پذیری آرایش واژگان در زبان‌های جنوب آسیا، پژوهش درایر (۲۰۰۳) دربارهٔ آرایش واژگان، هم در سطح بند و هم در سطح گروه، در زبان‌های چینی ـ تبتی، تحقیق کالستینوا (۲۰۰۷) دربارهٔ بررسی پدیدهٔ آرایش واژگان در یک زبان دارای آرایش واژگانی آزاد (یعنی زبان روسی)، پژوهش درایر (۲۰۰۸) دربارهٔ آرایش واژگان در زبان‌های تبت و برمَن، کار تُنهاسر و کالینجن (۲۰۱۰) دربارهٔ محدودیت‌های موجود بر آرایش واژگان در زبان گورانی پاراگوئه[۶] بر اساس پیکره‌ای از داده‌های

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

طبیعی، پژوهش پیکره ـ محور بَدر و هاسلر (۲۰۱۰) دربارهٔ آرایش فاعل و مفعول در بندهای اصلی و درونهٔ زبان آلمانی.

با توجه به عدم امکان معرفی تمام پژوهش‌های موجود با در نظر گرفتن مجال اندک مقاله، در ادامه ابتدا پژوهش‌های مربوط به آرایش واژگان در زبان‌ها و گویش‌های فارسی به اجمال معرفی و مرور می‌شوند. در ادامه نیز پژوهش‌های انجام‌شده در زمینهٔ گویش‌های فارسی خوزستان به ترتیب زمانی معرفی می‌شوند.

احمدی‌پور (۱۳۷۲: ۱-۴) آرایش سازه‌های اصلی را در جملات سادهٔ اخباری و جملات مرکب با ساخت موصولی و ساخت متممی از دیدگاه رده‌شناسی زبان تحلیل کرده است تا الگوهای غالب جملات و در مقابل آن آرایش‌های فرعی ممکن را کشف، توصیف و رده‌بندی کند.

شریفی (۱۳۸۳) در رسالهٔ دکتری خود به بررسی رده‌شناختی آرایش واژه‌ها ـ آرایش سه سازهٔ اصلی جمله، یعنی فعل، مفعول و فعل ـ همچنین مراتب رده‌شناختی ناظر بر ترتیب خطی سازه‌ها در زبان فارسی پرداخته است. در این اثر، سلسله‌مراتب رده‌شناختی ناظر به ترتیب خطی سازه‌ها و برخی از عوامل مؤثر بر ترتیب خطی سازه‌ها معرفی شده‌اند و درنهایت، حاصل تجزیه و تحلیل و بررسی‌ها دربارهٔ آرایش واژه‌ها در زبان فارسی براساس رویکرد رده‌شناختی ارائه شده است.

همین نویسنده در مقاله‌ای به بررسی آرای هاکینز در حوزهٔ رده‌شناسی آرایش واژه‌ها پرداخته است (شریفی، ۱۳۸۷ : ۷۷ -۹۲).

میردهقان و مهمانچیان (۱۳۹۰: ۵۳-۸۳) در مقاله‌ای به بررسی آرایش واژگانی جملات خبری گویش آتنی (از گویش‌های مازندرانی) در چارچوب نظریهٔ بهینگی پرداخته‌اند.

رضاپور در پژوهش خود آرایش واژه در گویش سمنانی را بر اساس مؤلفه‌های بیست و چهارگانهٔ درایر (۱۹۹۲) از نظر رده‌شناختی تجزیه و تحلیل کرده است. بر اساس تحلیل داده‌ها مشخص شده است که گویش سمنانی ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی را در مقایسه با گروه زبان‌های دنیا دارد. بنابراین این گویش گرایش به ردهٔ زبان‌های فعل‌پایانی دارد (رضاپور،۱۳۹۴: ۱-۲۱).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

در زمینهٔ آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان پژوهشی انجام نشده است؛ ولی در حوزهٔ گویش‌شناسی می‌توان به پژوهش‌های اونوالا[۷] (۱۹۵۹)، مک‌کینان (۱۹۹۵)، بابایی‌بزاز (۱۳۷۵)، معماری (۱۳۸۹)، گرامی (۱۳۸۵)، کدخدای (۱۳۸۵) و راستی‌بهبهانی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱) اشاره کرد.

۳. روش تحقیق

ابزار و روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه و گفت‌وگو و مصاحبهٔ حضوری با گویش‌وران است. این پرسش‌نامه با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی در مقاله و با اقتباس از پرسش‌نامهٔ جمع‌آوری گویش‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهیه شده است. مؤلفان در سفری به خوزستان با ۳۰ گویش‌ور مصاحبه کردند و همهٔ مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها ثبت و ضبط و به دقت مکتوب و آوانویسی شدند و سپس براساس مؤلفه‌هایی به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. قوانین ترجمه و تحلیل لایپزیک[۸] که در سایت مؤسسهٔ مکس‌پلانک ذکر شده، معیار تحلیل جملات و تک‌واژها قرار گرفته است. همچنین از منابع چاپی موجود در زمینهٔ این گویش‌ها (پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها، فرهنگ‌ها، مجموعه شعر و داستان و غیره) تا حد امکان و بنا به ضرورت استفاده شده است. در انتخاب گویشوران نیز سعی شد از افراد متولد و ساکن همان منطقه که از نظر شنوایی سالم و از نظر بیانی با تلفظی واضح و روان هستند، استفاده شود .

۴. مبانی نظری پژوهش

درایر (۲۰۰۷: ۶۱) معتقد است «یکی از راه‌هایی که توسط آن زبان‌های دنیا از هم متمایز می‌شوند، ترتیب سازه‌ها یا به اصطلاح رایج‌تر آرایش واژگان است». مسئلهٔ آرایش واژگان در یک زبان و همچنین مقایسه با زبان‌های دیگر از زمان گرین‌برگ (۱۹۹۶)، دغدغهٔ اصلی رده‌شناسان بوده است.

رده‌شناسی آرایش واژگان نقش مهمی در توسعهٔ رده‌شناسی داشته است؛ زیرا علاقهٔ پژوهشگران دهه‌های اخیر به رده‌شناسی زبان با استفاده از انواع داده‌های زبان‌ها– همان‌گونه که اشاره شد– از مقالهٔ مهم و تأثیرگذار گرین‌برگ دربارهٔ آرایش واژگان

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

نشئت می‌گیرد. البته دغدغهٔ اصلی پژوهش در این حوزه، آرایش واژه‌ها نیست، بلکه آرایش سازه‌های موردنظر است و شاید اصطلاح درست‌تر رده‌شناسی «آرایش سازه‌ها» باشد (کامری، ۱۹۸۹: ۸۶ ـ۸۷).

در بخش پیشینه، تاریخچهٔ مختصری دربارهٔ رده‌شناسی آرایش واژگان ارائه شد؛ بنابراین در این بخش نظریات درایر معرفی می‌شود. پرسش‌های اصلی که درایر در پژوهش خود مطرح می‌کند، بدین شرح‌اند: ۱. جفت عناصری که با آرایش فعل- مفعول همبستگی دارند، چه عناصری هستند؟ ۲. چرا این همبستگی‌ها وجود دارند؟ (علت وجود آن‌ها چیست؟)

به نظر درایر شواهد تجربی دقیق در پاسخ به اولین پرسش هیچ‌وقت ارائه نشده است؛ درحالی‌که گرین‌برگ (۱۹۶۳)، داده‌هایی را از سی زبان ارائه داد، اما نمونهٔ مورد بررسی او بسیار کوچک بود و مسائل سوگیری ژنتیک و منطقه‌ای هم دربارهٔ این نمونه حل نشده است (درایر،۱۹۹۲: ۸۱).

نتایج تجربی که در مقالهٔ درایر بیان شده، براساسِ بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان است که بسیاری از ادعاها دربارهٔ همبستگی‌های آرایش واژگان را تأیید می‌کند؛ اما در عین‌حال، بسیاری از فرضیات پذیرفته‌شده را رد می‌کند. درایر جفت همبستگی را بدین‌صورت تعریف می‌کند: اگر در یک جفت دو عنصر X و Y با آرایش فعل و مفعول، همبستگی داشته باشند، به این جفت، جفت همبستگی می‌گوییم. برای مثال زبان‌های فعل‌پایانی به پس‌اضافه‌ای‌بودن و زبان‌های فعل آغازی به پیش‌اضافه‌ای‌بودن تمایل دارند؛ بنابراین جفت (حرف اضافه- گروه اسمی)، یک جفت همبستگی است. در تعیین جفت‌های همبستگی مسئلهٔ مهم این است که بررسی کنیم آیا این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار هستند یا خیر (همان، ۸۲).

بنابر گفتهٔ درایر توضیحات مختلفی برای همبستگی‌های آرایش واژگان ارائه شده است؛ اما عادلانه است که بگوییم رایج‌ترین دیدگاه در میان این دیدگاه‌ها این است که زبان‌ها به قراردادن هسته‌های دستوری به صورت هماهنگ با وابسته‌ها تمایل دارند که در نظریهٔ هسته ـ وابسته منعکس می‌شود.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

نظریهٔ هسته- وابسته: الگوسازهای فعلی، هسته و الگوسازهای مفعولی وابسته هستند؛ یعنی یک جفت عامل X و Y، آرایش XY را در زبان های فعل آغازی و نه زبان‌های فعل‌پایانی، به کار می‌گیرند، اگر فقط X یک هسته و Y یک وابسته باشد. براساس این نظریه زبان‌ها به یکی از این دو حالت ایده‌آل تمایل دارند. زبان‌های هسته‌آغازی که در آن‌ها هسته همیشه قبل از وابسته می‌آید و زبان‌های فعل‌پایانی که در آن‌ها هسته همیشه بعد از وابسته می‌آید. یکی از اهداف درایر ارائهٔ شواهدی علیه این نظریه است (همان، ۸۷).

درایر با بیان مشکلات نظریهٔ هسته ـ وابسته، نظریهٔ سوی انشعاب را جایگزین آن کرده است. در این نظریه الگوسازهای فعلی مقولات غیرگروهی[۹] (غیرانشعابی[۱۰]، واژگانی) و الگوسازهای مفعولی مقولات گروهی[۱۱] (انشعابی[۱۲]) هستند؛ یعنی یک جفت عامل X و Y بیشتر آرایش XY را در زبان‌های فعل‌آغازی اتخاذ می‌کنند، در صورتی‌که X یک مقولهٔ غیرگروهی و Y یک مقولهٔ گروهی باشد. مطابق این نظریه، زبان‌ها به یکی از این دو حالت ایده‌آل تمایل دارند: زبان‌های راست‌انشعابی[۱۳] که در آن‌ها مقولات گروهی بعد از مقولات غیرگروهی می‌آیند و زبان‌های چپ‌انشعابی[۱۴] که درآن‌ها مقولات گروهی قبل از مقولات غیرگروهی می‌آیند (همان، ۸۹).

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۲۳- ۳۰) ۲۴ جفت همبستگی موجود در زبان فارسی را بررسی کرده است و وضعیت زبان فارسی را در ارتباط با هر یک از آن جفت‌ها با دو ستون از جدول مربوط به آن جفت همبستگی در مقالهٔ درایر سنجیده است. یک ستون مربوط به منطقهٔ اروپا ـ آسیاست (به‌دلیل قرارگرفتن زبان فارسی در این منطقه) و همچنین ستون جمع که وضعیت زبان فارسی را در مقایسه با زبان‌های جهان مشخص می‌کند. گفتنی است از این ۲۴ مؤلفه، ۱۹ مورد از مقالهٔ درایر (۱۹۹۲) گرفته شده‌اند و بقیهٔ مؤلفه‌ها از پایگاه داده‌های وی- که آمار مربوط به آن در اختیار نگارندگان قرار گرفته است- برگزیده شده‌اند. در پژوهش حاضر بر اساس پژوهش دبیرمقدم همین ۲۴ مؤلفه دربارهٔ گویش‌های خوزستان بررسی می‌شوند و نتایج حاصل با منطقهٔ اروپا ـ آسیا و همچنین جهان مقایسه می‌شوند و در جدول‌هایی ارائه خواهند شد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

یک نمونه از جدول‌های درایر که مربوط به مؤلفهٔ حرف اضافه است برای روشن‌شدن مطلب در این بخش معرفی می‌شود (اختصارات: ف= فعل، م= مفعول):

جدول ۱ ـ نوع حرف‌اضافه (درایر، ۱۹۹۳: ۸۳)

	آفریقا	اروپا ـ آسیا	جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه	استرالیا ـ گینه نو	آمریکای شمالی	آمریکای جنوبی	جمع کل
م ـ ف و پس-اضافه	۱۵	۲۶	۵	۱۷	۲۵	۱۹	۱۰۷
م ـ ف و پیش-اضافه	۳	۳	۰	۱	۰	۰	۷
ف ـ م و پس-اضافه	۴	۱	۰	۰	۳	۴	۱۲
ف ـ م و پیش-اضافه	۱۶	۸	۱۵	۶	۲۰	۵	۷۰

در این جدول، اعداد تعداد «گروه‌زبان[15]»هایی را نشان می‌دهد که شامل زبان‌هایی از نوع ارائه‌شده در منطقهٔ مذکور می‌شود. نخستین خط جدول شمارهٔ ۱ تعداد گروه زبان‌ها را در هر شش منطقه‌ای نشان می‌دهد که شامل زبان‌های فعل‌پایانی با پس‌اضافه هستند. دومین خط، زبان‌های فعل‌پایانی دارای پیش‌اضافه را نشان می‌دهد. در ستون سمت چپ، گروه زبان‌هایی هستند که شامل زبان‌هایی از هر گونه در کل جهان می‌شوند. در جدول ۱ تفاوت این مجموع‌ها (۷ مقابل ۱۰۷) آنقدر زیاد است که نشان‌دهندهٔ تمایل شدید زبان‌های فعل‌پایانی به پس‌اضافه‌ای‌بودن است. آزمون آماری شامل مقایسهٔ تعداد هرگونهٔ زبانی در هر شش منطقه است و تعداد گروه‌زبان‌های شاملِ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

زبان‌هایی که فعل‌پایانی و پس‌اضافه‌ای هستند از تعداد گروه‌زبان‌های شامل زبان‌های فعل‌پایانی و پیش‌اضافه‌ای در هر شش منطقه بیشتر است. بنابرین تمایل به پیش‌اضافه‌ها در زبان‌های فعل‌پایانی از نظر آماری معنادار است. دو خط آخر داده‌های قابل مقایسه‌ای را برای زبان‌های فعل‌آغازین ارائه می‌دهد. در اینجا تعداد زبان‌های فعل‌آغازین و پیش‌اضافه‌ای از تعداد زبان‌های فعل‌آغازی و پس‌اضافه‌ای در هر شش منطقه بیشتر است که نشان‌دهندهٔ تمایل معنادار آماری برای زبان‌های فعل‌آغازی با به‌کارگیری پیش‌اضافه است و نه پس‌اضافه (درایر،۱۹۹۲: ۸۵-۸۴). برای مثال زبان فارسی دارای آرایش مفعول ـ فعل و پیش‌اضافه است که بر اساس این جدول در مقایسه با منطقهٔ اروپا ـ آسیا زبان فعل‌پایانی ضعیف (۳ در برابر ۲۶) و در مقایسه با گروه‌زبان‌های جهان نیز فعل‌پایانی ضعیف (۷ در برابر ۱۰۷) است. به همین ترتیب، زبان فارسی از نظر این مؤلفه در مقایسه با ردهٔ فعل ـ مفعول هم در منطقهٔ اروپا ـ آسیا (۸ در برابر ۱) و هم در جهان (۷۰ در برابر ۱۲) جزو زبان‌های فعل‌آغازی قوی به‌شمار می‌رود.

۵. بررسی مؤلفه‌های آرایش واژگان در چهار گویش خوزستان

در این بخش به بررسی مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه در گویش‌های مورد بحث پرداخته می‌شود.[۱۶] گفتنی است تعداد مثال‌های جمع‌آوری‌شدهٔ هر گویش بسیار فراوان است؛ اما فقط به آوردن یک مثال از هر گویش بسنده می‌شود و در مواردی نیز با توجه به فراوانی تعداد مثال‌ها (مانند حروف اضافه) یا بدیهی‌بودن مطلب و یکسان‌بودن معادل‌ها در هر چهار گویش، مثالی آورده نشده است.

۱-۵. نوع حرف اضافه در این گویش‌ها (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه)

با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده از گویش‌وران بومی و همچنین منابع موجود در این زمینه، اکثر حروف اضافه در این گویش‌ها همگی از نوع پیش‌اضافه هستند؛ البته دو گویش دزفولی و شوشتری هنوز بقایایی از کاربرد پس‌اضافه «را» را برای مفعول غیر صریح حفظ کرده‌اند[۱۷]. از نظر معادل حروف اضافه بین این گویش‌ها و فارسی معیار تفاوت‌هایی وجود دارد. حروف اضافهٔ اصلی در گویش بهبهانی- که با فارسی معاصر از نظر معادل متفاوت‌اند- عبارت‌اند از: /ʔæ/ به معنی به، از؛/dɪm/ به معنی با؛/te/ و /tu/

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

به معنی در، داخل، دورن؛/se/ به معنی برای؛/bɪ/ به معنی بدون،/væl/ به معنی کنار، نزد، پیش،/sær/ به معنی روی، بالای، /tɒ/ برای بیان فاصلهٔ زمانی یا مکانی.

حروف اضافهٔ اصلی در گویش دزفولی که با فارسی تفاوت دارند، عبارت‌اند از:/Pe/ به معنی با،/men/ به معنی در، داخل،/sɪ/ به معنی برای،/sær/ به معنی روی، بالای.

در گویش شوشتری حروف اضافه/ pej/ به معنی با،/mɪ:n/ به معنی در، داخل،/dɔmɒ/ به معنی پشت، /mendʒi/ به معنی وسط، /vær/ به معنی کنار و پیش، متفاوت از فارسی معیار هستند.

و در نهایت حروف اضافهٔ اصلی متفاوت از فارسی در گویش هندیجانی نیز بدین قرارند: /mɪ/ به معنی در، داخل،/ sɪ/ به معنی برای،/Pej/ به معنی با، / vær / به معنی کنار، نزدیک.

۲-۵. توالی مضاف و مضاف‌الیه

در چهار گویش مورد بحث همانند فارسی معیار، مضاف قبل از مضاف‌الیه قرار می‌گیرد:

پسر محمد (بهبهانی)

pɔ s=e mæmmæd
son=EZ Mohammad

برادر رضا (دزفولی)

berær=e ræzɒ
brother=EZ Reza

پسرخواهر علی (شوشتری)

kuʔ æk=e xɒ r=e ʔ ælɪ
son=EZ sister=EZ Ali

کتاب آن‌ها (هندیجانی)

ketɒ b=e ʔ uʃ un
book=EZ they.GEN

۳-۵. توالی صفت و مبنای مقایسه

در این گویش‌ها هر دو آرایش صفت + مبنای مقایسه و مبنای مقایسه + صفت رایج است؛ بنابراین در ستون مربوط به این مؤلفه، هر چهار خانه علامت‌گذاری شده است. البته در بررسی داده‌ها و پرسش از گویش‌وران مشخص شد که تمایل به کاربرد آرایش

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

صفت + مبنای مقایسه، بیشتر است. در سه گویش بهبهانی و دزفولی و هندیجانی وقتی از آرایش صفت + مبنای مقایسه استفاده می‌شود، حرف اضافه «از» به واکهٔ/ e/ تخفیف می‌یابد و به صورت پی‌بستی به صفت برتر متصل می‌شود. با توجه به مشابه‌بودن و وضوح مثال‌ها، فقط مثال‌های بهبهانی ذکر می‌شود.

بزرگ‌تر از آن‌ها (بهبهانی)

gæv-ter=e ʔ uʃ u
old-er =than them .DAT

از آن‌ها بزرگ‌تر (بهبهانی)

ʔ æ ʔ uʃ u gæv-ter
than them.DAT old-er

۴-۵. توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای

در این گویش‌ها گروه حرف‌اضافه‌ای هم قبل از فعل و هم بعد از فعل قرار می‌گیرد.

آن‌ها روی زمین نشستند (بهبهانی).

ʔ ɔ ʃ u sær=e zemɪ n ʃ æss-en
they on=EZ ground sit.PST.3SG

یا آن‌ها نشستند سر زمین (بهبهانی).

ʔ ɔ ʃ u ʃ æss-en sær=e zemɪ n
they sit.PST.3SG on=EZ ground

من به دیوار تکیه دادم (دزفولی).

mɔ vær dɪ vɒ r tekje dɒ m-æ
I to wall lean do.PST-1SG

یا من تکیه دادم به دیوار.

mɔ tekje dɒ m-æ vær dɪ vɒ r
I lean do.PST-1SG to wall

آمد وسط من و او نشست (شوشتری).

ʔ umæd mendʒ i mɔ =ne ʔ u neʃ es
come.PST.3SG between I=and he/she sit. PST.3SG

۵-۵. توالی هستهٔ اسمی و بند موصولی

در این گویش‌ها در جملات مرکب، مانند فارسی معیار همیشه هستهٔ اسمی قبل از بند موصولی قرار می‌گیرد. برای نمونه مثال‌های بهبهانی و دزفولی آورده می‌شود.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

مردی که با شما صحبت می‌کرد، معلم است (بهبهانی).

mærd-ɪ ke dɪ m=e ʃ ɔ mɒ je hærf
man-INDF which to=EZ you EZ talk
mɪ - ze mɔ ʔ ælem-ɪ
PROG-hit.PST.3SG teacher-be.PST.3SG

کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم (دزفولی).

۶-۵. توالی فعل و قید حالت

قید حالت در این گویش‌ها معمولاً قبل از فعل می‌آید؛ ولی مواردی از آمدن قید حالت بعد از فعل نیز در دوگویش دزفولی و بهبهانی مشاهده می‌شود و این کاربرد نیز کاملاً عادی است.

نوزاد به آرامی خوابیده بود (بهبهانی).

nɔ zɒ d-eku ʔ ɒ rum xɔ sɪ d-e bɪ
child-DEF calmly sleep.PST-PRF be.PST.3SG

نگران نباش، یاد می‌گیری کم کم (بهبهانی).

næ negærɒ ni bæ, jɒ d me-ger-æ
PROH worried be.PRS.3SG memory IND-take.PRS-2SG
kem kemaj
little little

آهسته از اتاق بیرون رفت (دزفولی).

yævɒ ʃ ʔ æ ʔ ɔ tɒ q kəur dær
stealthy from room go.PST.3SG out

کارهایش را باعجله انجام داد و رفت (شوشتری، به نقل از وزیری، ۱۳۶۴: ۱۵۱).

kɒ r-ɒ =ʃ =æ hɔ læki kɔ rd ræft
work-PL=his/he=RA hastily do.PST.3SG go.PST.3SG

آهسته از اتاق بیرون رفت (هندیجانی).

yævɒ ʃ ʔ æ ʔ ɔ tɒ q kəur dær
stealthy from room go.PST.3SG out

۷-۵. توالی فعل اسنادی و گزاره (مسند)

در این گویش‌ها گزاره یا مسند نیز همیشه قبل از فعل می‌آید. مثال‌ها از هندیجانی و شوشتری بیان می‌شوند.

آن مردان و زنان خوب هستند (شوشتری).

ʔ u mɪ r=un=ɔ zæn=un=ke xub-en

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

that man=PL=and woman=PL=DEF good-be.PRS.3PL
گوسفند در آغل است (هندیجانی).

bære mɪ :n tævɪ le=æs
lamb in stable=be.PRS.3SG

۸-۵. توالی موصوف و صفت

در این گویش‌ها همانند زبان فارسی، صفت بعد از فعل می‌آید.مثال‌ها از هندیجانی و شوشتری آدرده شده است.

خانهٔ محکم (شوشتری)

xune=je qɒ jɔ m
house=EZ strong

پسر کوچک (هندیجانی)

xune=je qɒ jɔ m
house=EZ strong

۹-۵. توالی صفت اشاره و اسم

در بهبهانی، دزفولی و شوشتری صفت اشاره همیشه قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ ولی در گویش هندیجانی صفت اشاره بعد از اسم می‌آید.

آن مرد (بهبهانی)

ʔ u mærd-æ
That man- DEF

این خیابان (دزفولی و شوشتری)

ʔ ɪ xɪ jɒ bun
this street

آن مرد (هندیجانی)

mərd=ə vɔ
man=EZ that

این خیابان (هندیجانی)

xɪ jɒ bun=ɪ jɔ
street=this

۱۰-۵. توالی قید مقدار و صفت

در این گویش‌ها قید مقدار همیشه قبل از صفت می‌آید که در مثال‌های زیر مشهود است. با توجه به وضوح مطلب فقط نمونهٔ هندیجانی آورده می‌شود.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

به شدت گرم (هندیجانی)

mælɪ gærm
very hot

۱۱-۵. توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان/ نمود

در این چهار گویش از فعل کمکی برای بیان زمان آینده استفاده نمی‌شود و زمان حال استمراری برای اشاره به آینده نیز به‌کار می‌رود. در دو گویش بهبهانی و هندیجانی برای نشان‌دادن نمود ناقص در زمان‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر، نیز از فعل کمکی استفاده نمی‌شود. در گویش بهبهانی از قید زمان /ʔ issæ/ به معنی «الان» برای این زمان‌ها استفاده می‌شود که معنای در جریان‌بودن کار را نشان می‌دهد. همچنین در گویش هندیجانی برای بیان نمود ناقص در زمان‌های گذشته و حال مستمر از قید تکرار /hej/ در معنای استمرار و در جریان بودن کاری استفاده می‌شود.[۱۸]

آن مرد خواهد آمد (بهبهانی).

ʔ u mærd-æ mɪ -tɪ
that man-DEF PROG-come.PRS.3SG

خورشید دارد طلوع می‌کند (بهبهانی).

ʔ æftɔ tɔ lɔ mɪ -kɔ
sun rise PROG-do.PRS.3SG

فعل کمکی بودن که برای بیان زمان ماضی بعید به‌کار می‌رود، در این گویش همانند فارسی معیار بعد از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

بچه ها کنار حوض نشسته بودند (بهبهانی).

bætʃ e-ku væle hɔ z ʃ ass-e bɪ d-en
child-PL near pool sit[PST]-PRF be.PST-3PL

در گویش‌های دزفولی و شوشتری، فعل کمکی بیان‌کنندهٔ نمود ناقص در زمان‌های حال مستمر و گذشتهٔ مستمر، قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد و فعل کمکی زمان گذشته بعید نیز بعد از فعل اصلی می‌آید. بنابراین هر چهار خانهٔ جدول از نظر این مؤلفه علامت خورده است.

داشتم غذا می‌خوردم (دزفولی).

dɒʃ t-ɔ m qezɒ be-xɔ ærd-ɔ m

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

have.PST-1SG food PROG-eat.PRS-1SG

بچه ها کنار حوض نشسته بودند (دزفولی).

bætʃ -un kenɒ re həuz nesæ bɪ d-æn
child-PL near pool sit.PST be.PST-3PL.PRF

خورشید دارد طلوع می‌کند (شوشتری).

ʔ æftɔ dɒ r-e tɔ lu ʔ æ-kɔ n-e
sun have.PRS-3SG rise PROG-do.PRS-3SH

ای کاش از همان اول حقیقت را به او گفته بودم (شوشتری).

kɒ ʃ ʔ æ ʔ ævæl hæqɪ qæt=ɔ gɔ ft-ɔ m=eʃ

wish from first truth=RA tell.PST-1SG=him/her.DAT
bɪ d
be.PST.3SG

داشتم ناهار می‌خوردم (هندیجانی).

dɪ g hej tʃ ɒ st ʔ i-xærd-ɔ m
yesterday continually lunch PROG-eat.PST-1SG

ای کاش از همان اول حقیقت را به او گفته بودم.

kɔ ʃ kɪ væ ʔ avæl hæqɪ qæt=ə gɔ te bɪ d-ɔ m=eʃ
I wish from first truth=RA tell.PRF be.PSt-1SG=him/her.DAT

همان‌گونه که بیان شد در هندیجانی نیز از زمان حال استمراری برای اشاره به آینده استفاده می‌شود و از فعل کمکی برای زمان آینده استفاده نمی‌شود. همچنین برای زمان‌های ماضی و مضارع مستمر نیز به جای فعل کمکی داشتن از قید حالت/hej/ در معنای استمرار استفاده می‌شود. در زمان ماضی بعید نیز فعل کمکی «بودن» بعد از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

۱۲-۵. توالی ادات استفهام و جمله

ادات استفهام «آیا» در این گویش‌ها معمولاً حذف می‌شود و جملهٔ پرسشی با آهنگ کلام از جملهٔ خبری مجزا می‌شود؛ ولی در صورت ظهور، در اول جمله قرار می‌گیرد.

آیا آن مرد آنجاست؟ (بهبهانی)

ʔ ejkɔ ʔ u mærd-æ ʔ undʒ ɒ n-æ?
whether that man-DEf over there-be.PRS.3SG

آیا شما غذا خورده‌اید؟ (دزفولی دو شوشتری)

ɒ jɒ ʃ ɔ mɒ tʃ ɪ xuærd-ɪ -jæ?

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

whether you something eat .PST-2PL-PRF
آیا آن مرد آنجاست؟ (هندیجانی)

ʔ ɪ gɔ mərdæ=vu undʒ en=æ?
whether man=that there=be. PRS.3SG

۱۳-۵. توالی حرف ربط قیدی[۱۹] و بند

حرف ربط قیدی، در هر چهار گویش قبل از بند پیرو می‌آید.

وقتی که آن‌ها به اصفهان برسند، به ما اطلاع می‌دهند (بهبهانی).

væqtɪ ʔ uʃ u re-ses-en esfehu ʔ æ mɒ xæbær mɪ d-en
when they SUBJ-reach.PRS.3Pl Esfehan to us news give.PRS-3PL
وقتی که سیل آمد، آن‌ها داشتند چه کار می کردند؟ (دزفولی)

væqtɪ sejl ʔ um-æ, hɔ nun dɒʃ t-æn tʃ e be-kəurd-en?
when flood come-3SG they have.PST-3PL what ROG-do.PST-3PL
هنگامی که می‌خواستم از پله‌ها پایین بیایم، ... (شوشتری).

ʔ usu ke mɪ -xɒ st-ɔ m ʔ æ pelle-hɒ bɪ -jɒ -m dume
when that PROG-want.PST.1SG from stair-PL SUBJ-come.PRS-1SG down

۱۴-۵. توالی حرف تعریف و اسم

در هر چهار گویش حرف تعریف/ ɪ/ که نشانهٔ نکره است، بعد از اسم می‌آید که با فارسی معیار مطابق است. در بهبهانی[۲۰] حرف تعریف معرفه /æku/ نیز بعد از اسم می‌آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد.

کتاب

ketɒ b-æku
book- DEF

مرد

mærd-æku
Man- DEF

کتابی

jæ ketɒ b-ɪ
A book-INDF

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

خانه‌ای(دزفولی)

həuʃ =ɪ
Hhouse=INDF

در گویش شوشتری نیز حرف تعریف معرفه /kæ/ نیز بعد از اسم می‌آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد.

مرد (شوشتری)

mɪ r=kæ
man=INDf

خانه (شوشتری)

xune=kæ
house=INDF

۱۵-۵. توالی فعل و فاعل

در این گویش‌ها همانند فارسی معیار، فاعل قبل از فعل قرار می‌گیرد.

عبدالله فردا صبح می‌رود (بهبهانی)

ʔ æbdelɒ sæbɒ sɔ b mɪ -ʃ u
Abdollah tomorrow morning PROG-go.PRS.3SG

حسن علی را در باغ دید (دزفولی)

hæsæn ʔ ælɪ =jæ mej bɒ q dɪ d
Hasan Ali=RA in garden see.PST.3SG

۱۶-۵. توالی عدد و اسم

در هر چهار گویش اعداد قبل از اسم قرار می‌گیرند.

۱۷-۵. توالی وند زمان / نمود و ستاک فعل

در گویش بهبهانی وندِ نمود استمراری که دارای تک‌واژگونه‌های /mɔ/ ، /me/ و /mɪ/ است، همیشه قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شود. وندِ نشانهٔ ماضی نقلی /e/ برای همهٔ اشخاص بعد از ستاک فعل و شناسه قرار می‌گیرد.

من می‌خورم (بهبهانی)

me mɔ -xɔ r-æm
I PROG.eat.PRS-1SG

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

در گویش‌های دزفولی و شوشتری نیز وندِ نمود استمراری (در دزفولی و شوشتری /be/، و در هندیجانی /ʔɪ/) همیشه قبل از ستاک فعل ظاهر می‌شود. همچنین وند نشانهٔ ماضی نقلی /æ/ در دزفولی و شوشتری و/e/ در هندیجانی برای همهٔ اشخاص بعد از ستاک فعل (و خلاف فارسی بعد از شناسه) قرار می‌گیرد.

می‌رسیم (دزفولی و شوشتری)

be-ræs-ɪ m
PROG-reach.PRS-1PL

رفته‌اند (دزفولی و شوشتری)

ræft-en-æ
Go.PST -3PL-PRF

خورده‌ام(هندیجانی)

xærd-ɔ m-e
eat.PST-1SG-PRF

در بهبهانی وندِ نشانهٔ ماضی نقلی/e/ بعد از ستاک فعلی، اما قبل از شناسه قرار می‌گیرد.

آن‌ها رفته‌اند (بهبهانی)

ʔ uʃ u ræt-e-jen
they go.PST-PRF-3PL

۱۸-۵. توالی اسم و تک‌واژ آزاد ملکی

در هر چهار گویش این تک‌واژ بعد از اسم می‌آید که در ادامه در مثال‌ها مشخص است.

کتابم (بهبهانی)

ketɒ b=æm
Book=my.GEN

کتاب من (بهبهانی)

ketɒ b=e me
Book=EZ my.GEN

دوستش (دزفولی)

ræfɪ q=eʃ
Friend=his/her.GEN

دوست او (دزفولی)

ræfɪ q=e ʔ u
Friend=EZ he/she .GEN

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

در نمونه‌های شوشتری و هندیجانی نیز به همین ترتیب تک‌واژ آزاد ملکی بعد از اسم می‌آید که برای جلوگیری از تکرار، مثال‌ها آورده نمی‌شوند.

۱۹-۵. توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم توانستن

فعل کمکی توانستن در هر چهار گویش قبل از فعل می‌آید.

می‌توانم بخوابم (بهبهانی).

mɔ -tun-æm bɔ -xɔ s-æm
PROG-can-1SG SUBJ-sleep.PRS-1SG

شما نمی‌توانید این کار را بکنید (دزفولی).

ʃ ɔ mɒ næ-tær-ɪ ʔ ɪ : kɒ r=æ kɔ n-ɪ
you NEG-can-2PL this work=RA SUBJ.do.PRS -2PL

می‌توانند بروند (شوشتری).

tær-en ræv-en
can-3PL go.PRS.SUBJ-3PL

امیدوارم بتوانم برایش کاری بکنم (هندیجانی).

ʔ ɔ mɪ dvɒ r=æm be-tɒ r-ɔ m sɪ =ʃ je kɒ r-ɪ
I wish=be.PRS.1SG PROG-can.PRS-1SG for=him/her.DAT a work-INDF kɔ n-æm
do.PRS-1SG

۲۰-۵. توالی متمم‌نما و جملهٔ متمم

متمم‌نما نیز در هر چهار گویش قبل از جملهٔ متمم می‌آید.

من می‌دانم که آن مرد مهربان است (بهبهانی).

me mɔ -dun-ɔ m ke ʔ u mærd-æ mejræbun-ɪ
I PROG-know-1SG that that man-DEF kind-be .PRS.3SG

علی بود که کتاب را به زهرا داد (دزفولی).

ʔ lɪ bɪ d ke ketɒ b=æ dɒ və zærɒ
Ali be.PST.2SG that book=RA give .PST.3SG to Zahra

تازه خوابیده بودم که مرا صدا کردی (شوشتری).

tɒ ze xɔ ft-ɪ d-ɔ m bɪ d ke mɔ =nɔ bəung
just sleep.PST-PRF-1SG be.PST.3SG that me=RA call kəurd-ɪ
do.PST-2SG

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

۲۱-۵. حرکت پرسش‌واژه

در این گویش‌ها پرسش‌واژه در جایگاه اصلی خود باقی می‌ماند و لزوماً به اول جمله حرکت نمی‌کند. این امر در مثال‌های زیر مشهود است. مثال‌های شوشتری و هندیجانی نیز به همین ترتیب عمل می‌کنند.

این مرد کیست؟ (بهبهانی)

ʔ ɪ mærd-æ kɪ =jæ?
This man-DEF who=be.PRS.3SG ?

پسرت کِی از مدرسه به خانه می‌آید؟ (دزفولی)

kuæk=et kej ʔ æ mædresæ mɪ -jɔ xunæ?
son=your:GEN when from school PROG-come.PRS.3SG home?

۲۲-۵. توالی مفعول و فعل

مفعول در این گویش‌ها زمانی که به صورت یک گروه است قبل از فعل قرار می‌گیرد و هنگامی که به صورت بند است هم قبل از فعل و هم بعد از آن قرار می‌گیرد.

حسن علی را در باغ دید (بهبهانی).

hæsæn=ej ʔ ælɪ te bɒ q dɪ
Hassan.ACC=3SG Ali in garden see.PST.3SG

تقریباً نصف غذا را خورده بودم (دزفولی).

tæqrɪ bæn nesf=e qæzɒ -=n=e xuʔ ærd-ɔ m bɪ d
about half=EZ food-EU=RA eat.PRF-1SG be.PST.3SG

سیب‌ها را از درخت چیدند (شوشتری).

sɪ b=ɒ -n=e ʔ æz deræx kænd=en
apple=PL-EU=Ra from tree pick.PST-3PL

۲۳-۵. توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل

وند منفی‌ساز در هر چهار گویش قبل از ستاک فعلی می‌آید.

غذا نخورده بودم (بهبهانی).

qezɒ =m næ-xærd-e bɪ
food=1SG NEG-eat.PST-PRF be.PST.3SG

نمی‌خورم (دزفولی).

Næ-m-xuær-ɔ m
NEG-PROG-eat.PRS-1SG

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

نمی‌توانم بخوانم (شوشتری).

næ-tær-ɔ m	xun-ɔ m
NEG-can.PRS-1SG	SUBJ.read.PRS-1SG

نخوردم.

næ-xærd-ɔ m
NEG-eat.PST-1SG

۲۴-۵. توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو

در این چهار گویش همانند فارسی معیار، فعل خواستن قبل از فعل بند پیرو می‌آید.

من می‌خواهم درس بخوانم (بهبهانی).

me=m	mɪ	dærs	bɔ -xun-æm
I=1SG	want.PRS.3SG	lesson	SUBJ -study- 1SG

احمد می‌خواهد به سفر برود (دزفولی).

ʔ æhmæd	mæ-x-u	rɔ -ʔ æ	sæfær
Ahmad	PROG-want .PRS-3SG	go.PRS-3SG	travel

دلم می‌خواهد که تو اینجا بمانی (شوشتری).

del=ɔ m	mæx-u	ke	tɔ	ʔ ɪ ndʒ ɔ	mæn-ɪ
Heart=my	want.PRS-3SG	that	you	here	SUBJ.stay.PRS-2SG

احمد می‌خواهد به سفر برود (هندیجانی).

ʔ æhmæd	mæx-u	ræv-e	sæfær
Ahmad	want .PRS-3SG	go.PRS-3SG	travel

در جدول‌های شمارهٔ ۲تا ۴ خلاصهٔ رفتاراین گویش‌ها بر اساس مؤلفه‌های ۲۴گانه نشان داده شده است. همچنین در جدول‌های پیوست، رفتار هر گویش به طور جداگانه در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا و زبان‌های جهان مشخص شده است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

جدول ۲ ـ مقایسهٔ مؤلفه‌های آرایش واژگان زبان فارسی با گویش‌های بهبهانی، دزفولی، شوشتری و هندیجانی

گویش/زبان مؤلفه‌ها	فارسی و زبان‌های اروپا ـ آسیا	فارسی و زبان‌های دنیا	بهبهانی و زبان‌های اروپا ـ آسیا	بهبهانی و زبان‌های دنیا	دزفولی و زبان‌های اروپا ـ آسیا	دزفولی و زبان‌های دنیا	شوشتری و زبان‌های اروپا ـ آسیا	شوشتری و زبان‌های دنیا	هندیجانی و زبان‌های اروپا ـ آسیا	هندیجانی و زبان‌های دنیا
فعل‌پایانی قوی	۱۲	۱۵	۱۲	۱۵	۱۲	۱۵	۱۲	۱۵	۱۱	۱٤
فعل‌پایانی ضعیف	۱۵	۱۳	۱۵	۱۳	۱٦	۱۳	۱۵	۱۳	۱٦	۱۳
فعل میانی ضعیف	۱۰	۸	۱۰	۸	۱۰	۸	۱۰	۸	۱۱	۹
فعل میانی قوی	۱۷	۱۹	۱۷	۲۰	۱۸	۲۰	۱۸	۲۰	۱٦	۱۸

جدول ۳ ـ گویش‌های خوزستان در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا

گویش	همبستگی با آرایش فعل-پایانی قوی	همبستگی با آرایش فعل‌میانی قوی
بهبهانی	۱۲	۱۷
دزفولی	۱۳	۱۸
شوشتری	۱۳	۱۸
هندیجانی	۱۱	۱۶

جدول ۴ـ گویش‌های خوزستان در مقایسه با زبان‌های جهان

گویش	همبستگی با آرایش فعل‌پایانی قوی	همبستگی با آرایش فعل‌میانی قوی
بهبهانی	۱۵	۲۰
دزفولی	۱۶	۲۰
شوشتری	۱۶	۲۰
هندیجانی	۱۴	۱۸

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

نتیجه‌گیری

وضعیت رده‌شناختی گویش‌های فارسی خوزستان بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها بررسی شد. همان‌گونه که در جدول‌ها مشاهده می‌شود، زبان فارسی وگویش‌های بهبهانی، دزفولی، شوشتری در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا ۱۲ مؤلفه و گویش هندیجانی در ۱۱ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی را دارند. همچنین زبان فارسی و سه گویش اول در مقایسه با زبان‌های جهان هر کدام ۱۵ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی را دارند و فقط گویش هندیجانی ۱۴ مؤلفهٔ فعل‌پایانی قوی را دارد.

همچنین در ردیف آخر جدول، داده‌ها بیانگر آن است که زبان فارسی و گویش بهبهانی در مقایسه با زبان‌های اروپا و آسیا ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی را دارند. دو گویش دزفولی و شوشتری در مقایسه با زبان‌های اروپا و آسیا ۱۸ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی و گویش هندیجانی ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی را دارد. سه گویش بهبهانی، دزفولی و شوشتری نیز در مقایسه با زبان‌های جهان هر کدام دارای ۲۰ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی و گویش‌هندیجانی دارای ۱۸ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میانی قوی است.

همچنین می‌توان به تفاوت‌های جزئی‌تر بین این گویش‌ها و زبان فارسی اشاره کرد. نخستین تفاوت بین فارسی و این چهار گویش مربوط به توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۲۴) معتقد است در فارسی گروه حرف‌اضافه‌ای قبل از فعل قرار می‌گیرد؛ در حالی که در این چهار گویش هم قبل از فعل و هم بعد از آن می‌آید و بنابراین در جدول، در ستون مربوط به این مؤلفه هر چهار خانه علامت‌گذاری شده است.

تفاوت دوم مربوط به توالی اسم و صفت اشاره است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد در سه گویش بهبهانی، دزفولی و شوشتری صفت اشاره همیشه مانند فارسی معیار قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ ولی در گویش هندیجانی صفت اشاره بعد از اسم می‌آید.

گفتنی است در این چهار گویش از فعل کمکی برای بیان زمان آینده استفاده نمی‌شود و زمان حال استمراری برای اشاره به آینده نیز به‌کار می‌رود. علاوه‌براین در دو

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

گویش بهبهانی و هندیجانی برای نشان‌دادن نمود ناقص در زمان‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر، نیز از فعل کمکی (داشتن) استفاده نمی‌شود.

در مؤلفۀ توالی حرف تعریف و اسم در هر چهار گویش حرف تعریف/ I / که نشانۀ نکره است، بعد از اسم می‌آید که با فارسی معیار مطابق است؛ ولی در این گویش‌ها حرف تعریف معرفه نیز بعد از اسم می‌آید که این مورد در فارسی معیار وجود ندارد. البته در فارسی گفتاری نیز گاهی اوقات حرف تعریف معرفه به صورت /e/ یا/æ / به اسم متصل می‌شود.

تفاوت ظریف دیگر در نظام تصریفی فعل‌ها این است که وند نشانۀ ماضی نقلی /æ/ در دزفولی و شوشتری و/e/ در هندیجانی برای همۀ اشخاص بعد از ستاک فعل و بعد از شناسه قرار می‌گیرد؛ در حالی که در فارسی قبل از شناسه فعلی می‌آید.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش با توجه به جدول‌های ۳ و ۴ مشخص شد که این چهار گویش هم در مقایسه با زبان‌های اروپا ـ آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های دنیا، به رده فعل ـ میانی قوی گرایش دارند. دبیرمقدم معتقد است زبان‌های ایرانی نو، از نظر مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، وضعیتی بینابین در حدفاصل میان نمونه‌اعلای زبان‌های رده فعل‌میانی قوی و نمونه‌اعلای زبان‌های رده فعل‌پایانی قوی دارند. بنابراین در پاسخ به پرسش چهارم باید گفت که بر اساس آمادر به‌دست‌آمده رفتار رده‌شناختی این گویش‌ها با رده بینابین (آمیخته) که دبیرمقدم (۱۳۹۲) برای زبان‌های ایرانی پیشنهاد کرده است، هماهنگ است.

در مورد مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک باید گفت که در این چهار گویش فقط درمؤلفۀهای ۱، ۹ و ۱۱ غیرمشترک هستند و گویش‌ها در ۲۱ مؤلفۀ دیگر رفتار مشترک دارند. دربارۀ مؤلفۀ نهم، یعنی توالی صفت اشاره و اسم، در گویش هندیجانی خلاف سه گویش دیگر و زبان فارسی، صفت اشاره بعد از اسم می‌آید. همچنین دربارۀ توالی فعل کمکی نمود/ زمان و فعل اصلی مشاهده شد که در دو گویش بهبهانی و هندیجانی خلاف گویش دزفولی و شوشتری و همچنین زبان فارسی، از فعل کمکی برای بیان زمان‌های ماضی و مضارع مستمر استفاده نمی‌شود. علاوه‌بر این

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

گفتنی است در دو گویش «دزفولی و شوشتری» بقایایی از کاربرد پس‌اضافه «را» برای مفعول غیر صریح حفظ شده است.

سخن آخر اینکه بررسی و تحلیل گویش‌های فارسی در سراسر ایران و حتی خارج از مرزهای ایران ـ با توجه به در معرض خطر بودن برخی از این گویش‌ها و عدم انتقال به نسل‌های بعدی در برخی از مناطق ـ حقایق ارزشمندی را دربارهٔ زبان فارسی به دست می‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود آرایش واژگان در دیگر گویش‌های زبان فارسی نیز بر اساس رده‌شناسی زبان بررسی و تحلیل شود تا بتوان با بررسی مجموع نتایج به‌دست‌آمده، به حقایق جامع و کامل‌تری در ارتباط با زبان‌فارسی دست یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است با توجه به محدودیت صفحات و واژگان مجاز در مجله، در فرایند اصلاحات مجبور به حذف بسیاری از نکته‌ها، ازجمله پیشینه، روش تحقیق، مثال‌ها و نمونه‌ها و مبانی نظری شدیم؛ بنابراین با توجه به اینکه این مقاله بخشی از رسالهٔ دکتری است، خوانندگان علاقه‌مند را به رساله ارجاع می‌دهیم.

2. Principle of Natural Serialization
3. Head – Dependent Theory
4. Principle of Cross – category Harmony

۵. در حال حاضر درایر پایگاه داده‌های خود را تا ۱۸۰۰ زبان گسترش داده است.

6. Paraguayan Guarani
7. Unvala
8. Leipzig glossing rule
9. Non – Phrasal
10. Non – Branching
11. Phrasal
12. Branching
13. Right – Branching
14. Left – Branching
15. Genus

۱۶. در بخش پیوست برخی نمادها و علائم ارائه شده است.

۱۷. در این مورد برای بحث مفصل‌تر و دقیق‌تر ر.ک: حامدی شیروان، ۱۳۹۵: ۹۸– ۱۰۱.

۱۸. این دو مورد در حامدی شیروان (۱۳۹۵) به خوبی با مثال‌های فراوان توضیح داده شده است.

19. Subordinator

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

۲۰. دربارهٔ بحث مفصل‌تر و دقیق‌تر حرف تعریف معرفه در گویش‌های بهبهانی، شوشتری، دزفولی و هندیجانی ر.ک: حامدی‌شیروان، ۱۳۹۵: ۱۳۱– ۱۳۵.

پیوست

فهرست نمادها و علائم اختصاری

توضیح نماد	نشانه
پیوند واجی در وندافزایی	–
پیوند واجی در واژه‌بست‌افزایی	=
اول شخص جمع	1PL
اول شخص مفرد	1SG
دوم شخص جمع	2PL
دوم شخص مفرد	3PL
سوم شخص جمع	3PL
سوم شخص مفرد	3SG
حالت ازی	ABL
مفعول مستقیم	AC
نشانهٔ صفت برتر	CMPR
فعل ربطی	COP
مفعول غیرصریح	DAT
حرف تعریف معین (معرفه)	DEF
واج میانجی	EU
کسرهٔ اضافه	EZ
زمان آینده	FUT
حالت اضافی	GEN
وجه امری یا باء امر	IMP
وجه اخباری	IND
حرف تعریف نامعین (نکره)	INDF

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

حالت بایی	INST
تکواژ نفی	NEG
مفعول حرف اضافه	OBL
مجهول	PASS
تکواژ جمع	PL
زمان/ نمود کامل	PRF
تکواژ نمود استمراری	PROG
تکواژ نهی	PROH
زمان حال	PRS
زمان گذشته	PST
تکواژ «را»	RA
وجه التزامی	SUBJ
تک‌واژ صفر	ϕ

ارزش آوایی نمادهای مشترک به کاررفته در واج‌نویسی گویش‌ها

واکهٔ موجود در واژهٔ «دَست»	æ
واکهٔ موجود در واژهٔ «زِشت»	e
واکهٔ موجود در واژهٔ «دِیر»	i
واکهٔ موجود در واژهٔ «مُفت»	ɔ
واکهٔ موجود در واژهٔ «بود»	u
واکهٔ موجود در واژهٔ «کار»	□
واکه مرکب در دو گویش دزفولی و شوشتری	əu
همخوان آغازین و میانی واژهٔ « بابا»	b
همخوان آغازین واژهٔ «چنگ»	tʃ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

همخوان آغازین و پایانی واژهٔ «داد»	d
همخوان آغازین واژهٔ «فردا»	f
همخوان آغازین و پایانی واژهٔ «گرگ»	g
همخوان آغازین و پایانی واژهٔ «همراه»	h
همخوان آغازین واژهٔ «جمع»	dʒ
همخوان آغازین واژهٔ «کم»	k
همخوان آغازین و پایانی واژهٔ «لال»	L
همخوان آغازین واژهٔ «مادر»	m
همخوان آغازین و پایانی واژهٔ «نان»	n
همخوان آغازین واژهٔ «پیر»	P
همخوان پایانی واژهٔ «کار»	r
همخوان آغازین واژهٔ «سرد»	s
همخوان آغازین واژهٔ «شش»	ʃ
همخوان آغازین واژهٔ «تمیز»	t
همخوان لبی‌نرمکامی در واژهٔ «روشن» در بعضی مناطق	w
همخوان آغازین واژهٔ «خدا»	x
همخوان آغازین واژهٔ «یک»	j
همخوان آغازین واژهٔ «زن»	z
همخوان آغازین واژهٔ «ژاکت»	ʒ
همخوان انسدادی چاکنایی(همزه)	?
همخوان آغازین واژهٔ «وقت»	v

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۹). «الگویی برای جمع‌آوری داده‌های گویشی و تنوعات لهجه‌ای و تهیهٔ نقشهٔ زبان‌شناسی (اطلس زبانی)». ***مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران***. سمنان. برگرفته از http://www.conf.semnan.ac.ir/uploads/goyesh_kaviri/jeld1/1.pdf.
- احمدی‌پور، طاهره (۱۳۷۲). ***آرایش سازه‌ها در زبان فارسی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بابایی‌بزاز، پروانه (۱۳۷۴). ***بررسی گویش دزفولی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- حامدی‌شیروان، زهرا (۱۳۹۵). ***بررسی آرایش واژه‌ها و حالت‌نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی***. پایان‌نامهٔ دکتری زبان‌شناسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۹). ***فرهنگ تطبیقی- موضوعی زبان ها و گویش های ایرانی نو***. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). ***رده‌شناسی زبان‌های ایرانی***. ج ۱ و۲. تهران: سمت.
- راستی‌بهبهانی، امید (۱۳۸۸). ***گویش بهبهانی، دستورصرفی، واژگان معمول***. تهران: طرح و اجرای کتاب
- ---------- (۱۳۹۱). «بهبهانی، گویش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی». ***ادبیات و زبان‌های محلی ایران***. ش ۳. صص ۶۱-۸۴.
- رضاپور، ابراهیم (بی‌تا). «ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان». ***جستارهای زبانی***. انتشار آنلاین ۹ شهریور ۱۳۹۳.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۳). ***توصیف و تبیین آرایش واژه‌ها در فارسی معاصر براساس ملاحظات رده‌شناختی***. رسالهٔ دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ---------- (۱۳۸۷). «آرای هاوکینز در حوزهٔ رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی». ***زبان و زبان‌شناسی***. ش ۱ (۷). صص. ۷۷ ـ ۹۲.
- صمیمی، احمدصادق (۱۳۸۳). ***امثال، اصطلاحات، تعبیرات و واژگانی چند در گویش دزفولی***. تهران: نشانه.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

- قوی‌مفرد، نگار (۱۳۷۳ ـ ۷۴). بررسی فرهنگ، آداب و رسوم و گویش محلی مردم هندیجان. طرح پژوهشی منتشرنشده. خوزستان: دفتر پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کدخدای‌طراحی، مهدی (۱۳۸۵). ***دستورِ لهجهٔ شوشتری***. رسالهٔ دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۳). «گونه‌گونی‌های فراوان زبانی در ایران، حتی در نقاط مجاور یکدیگر». ***پیک نور***.۲ ش (۳). صص ۲۵ ـ ۵۱.
- گرامی، شهرام (۱۳۸۵). «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی». ***علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ویژه‌نامه زبان‌انگلیسی و زبان‌شناسی***. ش۱. صص ۱۰۸-۱۲۶.
- معماری، مهران (۱۳۸۹). ***بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش بهبهانی***. اهواز: کردگار.
- میردهقان، مهین‌ناز و مهمانچیان ساروی، شیرین (۱۳۹۰). «آرایش واژگانی در جملات خبری گویش آتنی (ساروی) در چارچوب نظریهٔ بهینگی». ***جستارهای زبانی***. ش۳. صص ۵۳ ـ ۸۳.
- نجات‌علی، نصرالله (۱۳۹۱). ***فرهنگ و گویش دزفولی***. قم: انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی.
- وزیری، عبدالله (۱۳۶۴). ***فارسی شوشتری***. تهران: وزیری.
- Bader, M. & J. Hussler (2010)."Word order in German: A corpus study". *Lingua*. no. 120(3). pp.717–762
- Bradshaw, J. (1982). "Word Order in Papua New Guinea Australian languages". (Doctoral dissertation). Retrieved from http://scholarspace.manoa.hawaii.edu/bitstream/handle/10125/21328/Bradshaw1982-diss_r.pdf?sequence=8.
- Butt, M. & et al. (eds.) (1994). *Theoretical perspectives on word order in South Asian languages* . Stanford: CSLI Publications.
- Colijn, E. & J. Tonhaaser (2010). "Word order in Paraguayan Guarani". *International Journal of American Linguistics*. no.76(2). pp. 255-288.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. 2nd ed. Chicago: The University of Chicago Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir – Moghaddam, M. (2012). "Linguistic Typology, an Iranian Perspective". *Journal of Universal Language*. no.13. issue 1. Pp. 31 -70.
- Dryer, M. S. (1992) . "The Greenbergian Word-order Correlations". *Language* . no. 68. Pp. 81- 138.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]

- Dryer, M. S. (2003)."Word Order in Sino-Tibetan languages from a Typological and Geographical Perspective". eds. J. Thurgood & R. J. LaPolla. the Sino-Tibetan languages (pp. 43 – 56). London & NewYork: Routledge Publishing.
- Dryer, M. S. (2007). "Word Order, Clause Structure". ed. T. Shopen. *Language Typology and Syntactic Description* (pp.61 - 131). Cambridge: Cambridge University Press.
- Dryer, M. S. (2008). "Word Order in Tibeto – Burman Languages". *linguistics of the Tibeto-Burman Area*. no. 31(1). pp. 1- 88.
- Greenberg, Joseph (1966). "Some Universals of Grammar with particular reference to the order of meaningful elements". *Universals of Language*. ed. Joseph Greenberg. PP. 73-113. Cambridge, MA: MIT Press.
- Haig, Geoffrey L.J. (2008). *Alignment Change in Iranian Languages: a Construction Grammar Approach*. New York: Mouton de Gruyter.
- Hawkins, J. A. (1983). Word Order Universals. NY: Academic Press
- Lehmann, W. P. (1973). *A Structural Principle of Language and its Implications. Language.* no. 49. Pp. 47-66.
- Kallestinova, Elena Dmitrievna (2007). *Aspects of Word order in Russian*. PhD thesis. University of Iowa. Retrieved from http://ir.uiowa.edu/etd/165.
- Mackinnon, C. (1995)."Dezfuli and Shushtari". *Encyclopedia Iranica*. vol. VII. Fasc.4: pp. 350 – 354. Retrieved from http://www.iranicaonline.org/articles/dezful.
- Shopen, T. (2007). 2nd edition. *language Typology and Syntactic Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Song, J. J. (2012). *Word Order*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Unvala, J. M. (1959). *Contribution to Modern Persian Dialectology: the Luri and Dizfuli Dialects*. Calcutta: Iran society.
- Vennemann, T. (1974). "Theoretical Word Order Studies: Results and Problems". *Papiere zur Linguistik*. No. 7. Pp. 5-25
- Windfuhr, G. (2009). *The Iranian languages*. Rutledge: London.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1395.4.11.1.8]